

# این تمدن‌ها فراموش نشده‌اند

● علی معصومی

- عنوان کتاب: تمدن‌های فراموش شده (جلد ۱ و ۲)
- نویسنده و تصویرگر: علی ذوالفقاری
- ناشر فرجام
- نوبت چاپ: اول ۱۳۷۸
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه (هر جلد)
- تعداد صفحات: ۱۲ صفحه (هر جلد)
- بها: ۱۸۰ تومان (هر جلد)



جلد دوم و در مورد تمدن «اینکا» از این امکان بهره برده است. چنانچه در مورد سایر تمدن‌های مورد بحث نیز همین کار صورت می‌گرفت، قطعاً به خواننده در مورد به ذهن سپردن خاستگاه جغرافیایی این تمدن‌ها کمک می‌کرد. کاش فراموش نمی‌شد

یکی از نارسایی‌های کتاب دو جلدی «تمدن‌های فراموش شده» را در همین عنوان کتاب باید جست. کاش گردآورنده کتاب، فراموش نمی‌کرد تمدن‌هایی که او درباره آنها توضیح داده، فراموش نشده‌اند و به قول «آن تری وایت» امروز هر کودک دبستانی درباره تمدن‌هایی مثل



«تمدن‌های فراموش شده» عنوان مطالبی است که علی ذوالفقاری، درباره تعدادی از تمدن‌های پیشین، جمع‌آوری و در دو جلد تنظیم کرده است. جلد اول کتاب «تمدن‌های فراموش شده» دوازده صفحه است که نیمی از آن به تصویر اختصاص دارد. بنابراین، حجم نوشتاری کتاب، چیزی بیش از شش صفحه نیست و همه مسایل و موضوعات مربوط به تمدن‌های بین‌النهرین (سومر، بابل) و تمدن مایا، در همین حجم اندک معرفی شده است. جلد دوم کتاب نیز با همین کیفیت و همین حجم، به تمدن‌های «آزتک» و «اینکا» اختصاص یافته است.

از آن جا که گردآورنده کتاب، خود تصویرگر و نقاش است، توانسته از این عامل تا حدودی برای زیباسازی صفحات کتاب بهره‌برداری کند و تصویرهای مناسبی برگزیند. با این حال، به نظر می‌رسد در انتخاب تصاویر روی جلد، سلیقه چندانی خرج نشده است. برخی از تصاویر روی جلد می‌توانست لطیف‌تر باشد. از جمله جمجمه ساخنداری که دندان‌های برآمده و چشمان هول‌انگیز دارد، چندان برای مخاطبان خاص این کتاب، مناسب به نظر نمی‌رسد.

گرچه وجود تصاویر متنوع، بر میزان زیبایی و تأثیر آموزشی کتاب افزوده است، ولی اگر به جای برخی از تصاویر، نقشه‌ای گنجانده می‌شد تا محل جغرافیای تمدن‌های مورد بحث را نشان بدهد، مفیدتر بود؛ هم چنان که این کار در یک مورد انجام گرفته و گردآورنده کتاب در



آن قدر که در وسط موج‌ها شروع می‌کند به رقصیدن. (ص ۲۲ / آقای چوب پنبه)

اکنون کودک درمی‌یابد که در این جهان، متکلم وحده نیست. در می‌یابد که در جهانی متکثر و سرشار از صداهای گوناگون زندگی می‌کند. در می‌یابد که حتی این آقای سطل کوچولوی داخل اتاق نیز حرفی برای گفتن و احساسی برای بیان کردن دارد.

فردو آقای سطل کوچولو را از آب دریا پر می‌کند او از مزه شور آب اخم کرده است. (ص ۱۱ / آقای سطل کوچولو)

نویسنده توانسته با دقتی شاعرانه به اشیای پیرامون خویش بنگرد و شهود عرفانی این اشیاء را دریابد و این کار را تنها با کمک کلمات و تصاویر زنده و ملموس، انجام داده و به این ترتیب به ذهن و زبان و تخیل رنگارنگ و بی‌شیله پيله خردسالان نزدیک شده است.

او یک هستی فانتزی و هستی شناختی فانتزی خلق کرده که در عین حال، به شدت واقعی است. در دنیای «لوک مورل» آقای چاقو دلش می‌خواهد روی نان‌های کربابی، اسکیت بازی کند.

آقای چاقو هنرمند بزرگی است او عاشق این است که روی نان‌ها را کره مالی کند. دلش می‌خواهد روی آنها اسکیت روی یخ بازی کند. (ص ۱۰ / آقای چاقو)

حالا دیگر مجموعه بابالوها دست از سرخواننده‌اش بر نمی‌دارد. حالا دیگر او نمی‌تواند به پیرامون خودش مثل همیشه نگاه کند. حالا دیگر همین خودکار که در دستش قرار دارد، با او حرف می‌زند. و همین کاغذ سفید که خط‌ها تنتند آن را سیاه می‌کنند. حالا دیگر خواننده به دنیای غیب قدم گذاشته و می‌داند که همه چیزها می‌توانند حرف بزنند. او حالا به دنبال کشف صداهای تازه و کشف آنچه غیب است اما هست می‌گردد. حالا او می‌داند همه چیز در اطراف او زنده است و حرف می‌زند و این «طنابی شاد» دیگر او را راحت نمی‌گذارد. حالا دیگر او قدم به جهان غیب و غیب جهان گذاشته است، به متافیزیک اشیاء و کلمات، به ماوراءالطبیعه پدیده‌های پیرامون. حالا خواننده می‌تواند در دنیای فانتزی بابالوها، با عرفان محض کلمات، تجربه شیرین دموکراسی عاشقانه اشیاء را جشن بگیرد و در مناسبات میان خود و دیگری، استمرار بخشد...

مایا و... چیزهایی می‌داند.<sup>۱</sup> برخلاف نظر گردآورنده کتاب، مدت هاست که به تمدن‌های گذشته توجه جدی شده است و باستان‌شناسان، محققان، حکومت‌ها و مردم کشورهای که در گستره جغرافیایی خود با آثار تمدن‌ها مواجه هستند، تلاش می‌کنند ابعاد چنین تمدن‌هایی را بیشتر بشناسند و یافته‌های خود را به سایر مردم جهان منتقل کنند. تکاپو برای شناسایی تمدن‌هایی که گردآورنده کتاب آنها را فراموش شده می‌داند، چنان است که برخی از محققان نام نهضت را بر آن نهاده و از توجه شدید تاریخ‌نویسان و جامعه‌شناسان و به طور کلی مردم جوامع گوناگون، به شناختن تمدن‌های پیشین سخن گفته‌اند.

شاید اگر گردآورنده کتاب «تمدن‌های فراموش شده» به کتاب‌های درسی دانش‌آموزان کشور خودمان نیز نگاهی می‌انداخت، در نام‌گذاری کتابش تجدیدنظر می‌کرد؛ زیرا در می‌یافت که گرچه آن تمدن‌های روزگار کهن، از میان رفته‌اند، ولی مردمان امروز جهان، آن تمدن‌ها را فراموش نکرده‌اند و بحث درباره آنها را حتی در کتاب درسی کودکان و نوجوانان گنجانده‌اند.

به هر حال، «تمدن‌های فراموش شده» نام مناسبی برای کتاب مذکور نیست و همین که نویسنده زمینه را برای تولید کتاب (آن هم برای کودکان و نوجوانان) پیرامون این تمدن‌ها مناسب تشخیص داده است، دلیل دیگری بر فراموش نشدن تمدن‌های مورد بحث از طرف مردم روزگار ماست.

#### اگر به این «چراها» پاسخ داده می‌شد

چه خوب بود گردآورنده کتاب دو جلدی «تمدن‌های فراموش شده» در چند سطر به عنوان مقدمه، ضمن ترسیم برنامه کاری خویش، به آگاهی خوانندگان کتابش می‌رساند که آیا قصد دارد کتاب تمدن‌های فراموش شده را در نهایت، به صورت یک مجموعه چند جلدی عرضه کند یا این که کار با همین دو جلد پایان می‌گیرد؟

این توضیح، از این نظر لازم است که وقتی خواننده، کتاب مذکور را در دست می‌گیرد، پرسش‌هایی از این قبیل، به ذهنش خطور می‌کند: چرا بحث درباره تمدن‌ها از تمدن مایا، میان رودان، آزتک و اینکا آغاز شده است؟ آیا بهتر نبود ترتیب خاصی در این زمینه مورد توجه قرار می‌گرفت؟ مثلاً تمدن‌های مورد بحث، براساس قدمتی که دارند یا براساس اهمیتی که دنیای امروز به آنها می‌دهد و یا بر مبنای حوزه جغرافیایی تنظیم می‌شدند؟

در ادامه همین پرسش‌هاست که این سؤال نیز به

**گرچه وجود تصاویر متنوع، بر میزان زیبایی و تأثیر آموزشی کتاب افزوده است،**

**ولی اگر به جای برخی از تصاویر،**

**نقشه‌ای گنجانده می‌شد**

**تا محل جغرافیای تمدن‌های مورد بحث را نشان بدهد، مفیدتر بود**

**تکاپو برای شناسایی**

**تمدن‌هایی که گردآورنده کتاب آنها**

**را فراموش شده می‌داند،**

**چنان است که برخی از محققان**

**نام نهضت را بر آن نهاده**

**و از توجه شدید تاریخ‌نویسان**

**و جامعه‌شناسان و به طور کلی**

**مردم جوامع گوناگون،**

**به شناختن تمدن‌های پیشین سخن گفته‌اند**

ذهن می‌آید که به چه دلیل تمدن‌های مایا و بین‌النهرین که هر یک در سویی از جهان قرار دارند با هم در یک‌جا و در یک جلد خانه گرفته‌اند؟

به هر حال، اگر قرار است برنامه کاری گردآورنده «تمدن‌های فراموش شده» با همین دو جلد خاتمه پیدا کند، مسلماً کاری بسیار ناقص است و این سؤال پیش می‌آید که از میان تعداد نسبتاً فراوان تمدن‌های پیشین، چرا فقط همین چهار تمدن قابل بحث تشخیص داده شده است؟ اگر هم قرار است کار به همین روال ادامه یابد، چرا این موضوع را با خوانندگان در میان نهاده تا از سردرگمی نجات یابند و بالاخره این که چرا نظم معقول و خاصی در این زمینه اتخاذ نشده است.

**چرا این قدر مختصر؟**

گرچه در «تمدن‌های فراموش شده» مطالب مختصر و مفیدی برای مخاطبان وجود دارد، ولی اگر اندکی بیشتر جست و جو می‌شد، گردآورنده کتاب می‌توانست مطالب جالب و مفید بیشتری در اختیار خوانندگان قرار دهد. به عبارت دیگر، درباره هر یک از تمدن‌هایی که در کتاب مذکور مورد بحث قرار گرفته است، گفتنی‌های دیگر هم وجود دارد که اگر بازگو می‌شد، هم برای خواننده جالب بود و هم اینکه به پرسش‌ها و کنجکاوی‌های مخاطبان پاسخ می‌گفت.

در هر حال، اختصار کتاب «تمدن‌های فراموش شده» چنان است که نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد و از این جهت به کتاب مذکور ایراد نگرفت. به ویژه در مورد تمدن‌های بین‌النهرین که محققان و تمدن‌شناسان، آن‌جا را مرکز ثقل تمدن‌ها می‌دانند، چنین اختصاری شایسته نیست و دور از انصاف است که مجموع جلوه‌های تمدنی بین‌النهرین، تقریباً در دو صفحه (بنون احتساب تصویرها) خلاصه شود.

نکته آخر این که بهتر بود منبع یا منابع مورد استفاده گردآورنده در پایان کتاب ذکر می‌شد تا مخاطبان کتاب، در صورت علاقه و یا نیاز به اطلاعات بیشتر، به آن منابع رجوع می‌کردند و در عین حال بر اعتبار مطالب افزوده می‌شد.

**پانویس:**

۱- آن‌تری وایت: جهان گمشده، ترجمه کیکلوس جهانناری، ص